

شاخص‌های قرآنی دولت اسلامی مبتنی بر منظومه فکری امام خامنه‌ای مد ظله العالی

مهدی مقدسی^۱

چکیده

یکی از مباحث مهم در حکومت اسلامی، مسئله دولت اسلامی است که بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، حلقه میانی حلقات تمدن سازی می‌باشد. این پژوهش که بر اساس روش توصیفی و تحلیل مضمون انجام شده، در پی پاسخ به این سوال است که شاخص‌های قرآنی دولت اسلامی چه مواردی می‌باشد؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که منطبق با بیانات آیت الله خامنه‌ای، این شاخص‌ها در دو دسته کارگزار محور که شامل مواردی مانند: اصل رفتار کریمانه (آل عمران: ۱۰۹)، پرهیز از تکبر (لقمان: ۱۸)، اخلاص (ص: ۴۶)، شایسته سالاری و انتخاب اصلح (نساء: ۵۸) و دسته دیگر نظامات محور که شامل مواردی مانند: ساختار نظام مند اقتصادی سالم (هود: ۱۱۶)، نقش آفرینی نظام مند مردم در دولت اسلامی (شوری: ۳۸) محوربندی می‌شوند.

واژگان کلیدی: شاخص‌های قرآنی، انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، مقام معظم رهبری

مقدمه

فهم دولت اسلامی در نظام جمهوری اسلامی یکی از مواردی که به صورت جدی می‌تواند در راهبری این مقوله کمک کند، تفکرسیاسی مقام معظم رهبری از بعد سیاسی آن می‌باشد؛ زیرا ایشان رئیس دولت در جمهوری اسلامی بودند و در این زمینه تجربه دارند. مهم‌تر آن‌که رهبری به عنوان پایه گذار این مراحل پنج‌گانه تحقق تمدن اسلامی است. شروع طرح مراحل پنج‌گانه تحقق تمدن اسلامی از سال ۱۳۷۹ می‌باشد که توسط رهبری مطرح شد. هرچند ایشان در سال ۱۳۷۰ با اشاره فرمودند: «ما توانستیم حصار را بشکنیم و مانع را از حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعه اسلامی و دنیای اسلامی برداریم» (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۷۰/۱۱/۱۴) که این فرآیند پنج‌گانه به شرح زیر است:

مرحله اول: در سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی شکل گرفت و رژیم وابسته سلطنتی از بین رفت و انقلاب اسلامی جایگزین آن شد.

مرحله دوم: نظام اسلامی با رأی مردم به جمهوری، بوجود آمد و مردم بعد از تصویب قانون اساسی به آن رأی دادند و بر طبق آن قوای سه‌گانه کشور شکل گرفت..

مرحله سوم: بعد از نظام اسلامی نوبت به تشکیل دولت اسلامی شد که با توجه به مشکلات داخلی و خارجی این مرحله از مراحل پنج‌گانه تا کنون محقق نشده است..

مرحله چهارم: تشکیل جامعه اسلامی است که از نظر ترتیب بعد از دولت‌سازی می‌باشد..

مرحله پنجم: آخرین مرحله تحقق اهداف اسلامی، جامعه بین‌المللی است که این مرحله نیز به‌کندی آغاز شده است (بیانات رهبری دیدار با هیئت دولت ۱۳۷۹/۹/۱۲)

محققان بر این باور هستند که رهبر انقلاب دولت اسلامی را از دو جهت مورد بررسی قرار داده‌اند. در آغازین سال‌های طرح مفهوم مراحل پنج‌گانه، معمولاً مفهوم دولت اسلامی از جهت منابع و نیروی انسانی آن مورد تأکید ایشان است و می‌فرمایند: «بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان به گونه اسلامی، چون در وهله اول فراهم نیست، به تدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند، یا چنان افرادی - اگر هستند - سرکار بیایند و یا اگر ناقص‌اند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت

وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (بیانات رهبری در دیدار با هیئت دولت - ۱۳۷۹/۹/۱۲). ایشان به کارگزاران نظام تأکید می‌کنند که به خودسازی و رفع عیوب پردازند و روز به روز خود را بهتر کنند. اما در تعاریف متأخر ایشان، وجه ساختاری و نظام‌گونه دولت اسلامی مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است. ایشان می‌فرمایند: «دولت اسلامی یعنی ساز و کارهای لازم برای ایجاد آن جامعه اسلامی» (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام - ۱۳۹۰/۶/۶). این تلقی از تشکیل دولت از آن‌جهت مهم است که ساختارها و روش‌ها در حقیقت روابطی هستند که کارگزاران درون آن روابط، با یکدیگر در تعامل بوده و عمل می‌کنند. برای مثال اگر کارگزار دارای ویژگی اسلامی بوده، اما نظامات از الگوی سکولار باشد، با یک تضاد روبه‌رو می‌شود. پس لازم است هم کارگزار و هم نظامات، اسلامی بوده تا دولت اسلامی محقق شود.

دولت از مبانی تدبیر سیاسی در جوامع انسانی است که علاوه بر ساختار ویژه‌اش، به آشکال گوناگون در جماعت‌های انسانی از قبیل امپراتوری، کشور، ملت و دولت و... حضور داشته‌اند. از این‌رو ادیان از آن‌جهت که به مقوله‌ی تدبیر سیاسی می‌پردازند، به موضوع دولت نیز توجه داشته‌اند. مسئله دولت اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، خود حلقه میانی حلقات پنج‌گانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است. از آنجا که شاخص‌های قرآنی در قالب الگویی واحد و جامع و مبتنی بر فرمایشات رهبری ارائه نشده است، لازم است این مسئله با تمرکز بر پژوهش‌های پیرامون شاخص‌های دولت اسلامی منطبق بر آیات و بر اساس منظومه فکری معظم‌له همانند: عدالت، تدبیر سیاسی، دین ورزی و ترتیبات ساختاری که منجر به استقلال و دوری از سلطه کفار بر مسلمانان می‌گردد مانند: تنظیم قوا، ساختارها، نظامات بر اساس حاکمیت دین جهت رفاه جامعه، حمایت از مستضعفان و... مورد بررسی قرار گیرد. برخی از این شاخص‌ها همچون عدالت در آیه *لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ* (حدید: ۲۵) «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند». حمایت از مستضعفان در آیه *إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...* (انفال: ۷۲) «کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کردند و آن‌ها که پناه دادند و یاری نمودند، آن‌ها یاران یکدیگرند» و عدم سلطه کفار بر مسلمانان که در سوره نساء آیه ۱۴۱ آمده است. *وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا* (نساء: ۱۴۱) «خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است». آمده است.

• معنای دولت

در علوم سیاسی دولت گاهی به مجموعه ای از افراد با خصوصیات و ویژگی های شخصی اعم از ضعف ها و قوت ها، که وظایف عمومی را در یک بازه زمانی معین انجام می دهند. در این معنی دولت مترادف با حکام و کسانی است که قانون را وضع، اعلام و اجرا می کنند. گاهی نیز دولت به مجموعه خاصی از نهادهای برتر یعنی به سازمان ها و شیوه های منظم و پذیرفته شده ای چون مجلس شورای اسلامی و هیئت وزیران گفته می شود که در طول زمان و جدای از سلیقه های افراد به انجام آن وظایف (قانون گذاری و اجرا) می پردازند (فیرحی - داوود - ۱۳۹۵) «نظام سیاسی و دولت در اسلام» - سمت - تهران - چاپ ۱۳ - ص ۱۰. دولت اسلامی دولتی است که فرمانروایان آن شرایط و اختیارات خاصی دارند که در نصوص دینی ارائه شده است (فیرحی - داوود - ۱۳۹۵) «نظام سیاسی و دولت در اسلام» - سمت - تهران - چاپ ۱۳ - ص ۲۴

نظر به اینکه در فرهنگ سیاسی، بین تعریف حقوقی و سیاسی دولت تمیز مستدلی وجود ندارد، می توان گفت: دولت به معنای مجموعه نهادهای حقوقی و قضائی، دستگاه های اجرائی و کارگزاران حکومتی است که وظیفه حکمرانی بر مردم مبتنی بر قانون اساسی، به منظور تأمین منفعت عمومی را بر عهده دارد (محمدی - خدیجه - ۱۳۹۱) «پایان نامه چيستی و چرایی و چگونگی تحقق دولت اسلامی در دیدگاه امام خامنه ای» - دانشگاه شاهد.

به گفته یکی از دانشمندان علوم سیاسی که می گوید: «سردرگمی و نبود توافق در موارد کاربرد دانش واژه های سیاسی، حتی نام علم سیاست را هم در برمی گیرد» (عبدالرحمان عالم - «بنیادهای علم سیاست» - چاپ دوازدهم - تهران: نشر نی، ۱۳۸ - ش - ص ۲۳). دولت دارای ۴ مؤلفه (سرزمین)، (حاکمیت)، (حکومت) و (جمعیت) است. حکومت به معنای قدرتی است که سرنوشت حقوقی - اقتصادی و سیاسی و... مردم به عهده آن هاست. همچنین با عنایت به تعریف ذیل از دولت که می گویند: «دولت مجموعه مشخصی از نهادهای سیاسی است که سازمان سلطه را به نام منافع مشترک در داخل یک سرزمین محدود، مورد توجه قرار می دهند» (ایان مک لین - «فرهنگ علوم سیاسی» - ترجمه حمید احمدی - چاپ اول - نشر میزان، ۱۳۸ - ش - ص ۷۷۵) یا اینکه دولت عالی ترین مظهر رابطه قدرت و حاکمیتی است که در همه جوامع وجود داشته باشد. اما اکنون پس از اشاره به مفهوم دولت و تعریف دولت ضرورت دارد صفت اسلامی آن به صورت روشن تر بررسی شود. اگر به عناصر چهارگانه دولت (حاکمیت، سرزمین، جمعیت، حکومت) توجه شود، روشن می شود، چیزی که سبب جدایی کیفی دولت ها از یکدیگر می شود، عناصر سه گانه اخیر دولت است زیرا عنصر سرزمین یکی از ارکان اصلی است که همه دولت ها بدون

تفاوت در کیفیت آن، از آن برخوردار است. پس ساکنان یک کشور یا نوع حاکمیت و حکومت می‌تواند سبب تفاوت‌ها شوند و با توجه به عناصر یادشده است که در تعریف دولت اسلامی و غیر اسلامی اختلافاتی بروز نموده است.

• واژه دولت در قرآن کریم

در قرآن واژه دولت به‌کاربرده نشده است. اما مؤلفه‌هایی چون حکم و طاعت معطوف به مفهوم دولت است. واژه حکم خود شامل «امر» و «ولی» می‌شود و در عنصر طاعت عبودیت مطرح می‌شود.

• مؤلفه «حکم» در مفهوم «دولت»

در قرآن به تکرار از کلماتی استفاده شده است که معطوف به «حکم» در مفهوم دولت می‌باشد. یکی از صریح‌ترین کلمات ناظر به مؤلفه حکم در مفهوم دولت، کلمه مُلک و مَلِک است. مَلِک در زبان عربی چنین تعریف شده: «احتواء قادراً علی التصرف و الاستبداد» (طباطبایی-محمد حسین-۱۴۱۷ق «المیزان فی تفسیر القرآن» ۲۰ جلد-انتشارات جامعه مدرسین) و مَلِک از همین ریشه صاحب‌شدن و مالک‌شدن معنا می‌دهد و به فاعل آن مالک گفته می‌شود که در قرآن نیز به همین معنا استعمال شده است: *قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ* (اسراء: ۱۰۰) "بگو: «اگر شما مالک خزائن رحمت پروردگار من بودید. در آن صورت، (به‌خاطر تنگ‌نظری) امساک می‌کردید، مبدا انفاق، مایه تنگدستی شما شود و انسان تنگ‌نظر است»"

بررسی آیات نشان می‌دهد که «ملک» به مبدأ و پروردگار هستی اختصاص داده شده است *فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ* (طه: ۱۱۴) «پس بلندمرتبه است خداوندی که سلطان حق است.»

بنابراین آنچه از این فرمانروایی در اختیار دیگران است از آن خداوند است: *قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ* (آل عمران: ۲۶) «بگو: «بارالها مالک حکومت‌ها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می‌بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می‌گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می‌دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می‌کنی. تمام خوبی‌ها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری». که این فرمانروایی عطیه‌ای از سوی خداوند است و می‌تواند آثار نیکویی در جوامع انسانی بر آن مترتب باشد، اگرچه ممکن است خدا (به لحاظ تکوینی) این عطیه در اختیار افرادی شایسته یا ناشایسته قرار گیرد مانند اعطایی این فرمانروایی به حضرت یوسف به‌عنوان فردی شایسته دلالت دارد *رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِمَّنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ...* (یوسف: ۱۰۱) «پروردگارا بخشی (عظیم) از حکومت به من بخشیدی و مرا از علم تعبیر خواب‌ها آگاه ساختی.»

• طاعت

علاوه بر مؤلفه «فرمانروایی و حکم» که در مفهوم دولت وجود دارد، سوی دیگر آن مؤلفه «فرمان‌بری و پذیرش» است که آیات فراوانی در قرآن، مُشعر به آن است. مفهوم پذیرش و فرمان‌بری در قرآن با تعبیری چون «اطاعت»، «عبودیت» ذکر می‌شود. عبودیت را اطاعت و نهایت تعظیم تعریف کرده‌اند که به عبارتی شکل عالی اطاعت می‌باشد. بر مبنای ایمان به پروردگار، قرآن تصریح می‌کند که عبودیت نسبت به خدا تنها راه مستقیم در هستی است. * وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ * (مریم: ۳۶). در راستای دعوت خدا است که سایر دستورات مدنی و حکومتی نیز به مردم ابلاغ می‌شود: * وَ إِلَى مَدِينَةِ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ * (اعراف: ۸۵). آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که «اطاعت» از فرمانروای هستی را ذکر می‌کند و پیامبران الهی از نوح تا دیگر پیامبران همچنان که بر عبادت و پرستش خدا تکیه داشتند بر اطاعت از خدا نیز تأکید نموده‌اند: * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا * (شعرا: ۱۱۴)

پس می‌توان نتیجه گرفت که در قرآن واژه دولت به صراحت ذکر نشده است، اما با مؤلفه‌هایی چون «حکم و فرمانروایی» و «فرمان‌بری و پذیرش» آمده است. در حقیقت فرمانروایی از آن خداست، اما این فرمانروایی از سوی خداوند در اختیار افراد شایسته و ناشایسته قرار می‌گیرد و می‌تواند آثار نیکویی بر جامعه داشته باشد.

• تعریف دولت اسلامی از منظر امام خامنه‌ای

در دیدگاه مقام معظم رهبری دولت به معنای مجموعه کارگزاران حکومت اطلاق می‌شود: «دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام - ۱۲ / ۰۹ / ۱۳۷۹). آنچه در این دیدگاه معرف دولت اسلامی از سایر دولت‌ها است، رفتار کارگزاران و کارکردی است که دولت اسلامی دنبال می‌کند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند «دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه‌ی امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم. این شعار باارزش است» (بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸)

۲. انواع و اقسام دولت

دولت را از منظرهای مختلفی همچون نقش، کارکرد، اهداف و غایت یا حاکمیت و همچنین در تقسیم‌بندی دیگر می‌توان با عنایت به جوهره هنجاری دولت آن را تعریف و تقسیم‌بندی کرد. در ابتدا به تقسیم‌بندی دولت بر اساس نقش و کارکرد پرداخته می‌شود که خود شامل دولت دینی و غیردینی می‌باشد.

• دولت دینی

دولتی است که انتخاب حاکمان، وظایف، نقش، جهت‌گیری و اهداف دولت مستند به اراده الهی و متون دینی تعریف می‌گردد و بر اساس آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

در دولت دینی، قانون جز آنچه از سوی خداوند به پیامبران وحی شده، نیست (مع لمبتون-آن. کی. اس-دولت و حکومت در اسلام-ترجمه محمدمهدی فقیهی-چ ۲) یار دینی بودن یک دولت استناد به دین و پذیرش مرجعیت دین در زندگی سیاسی است و همچنین در آن ساخت عمومی قدرت سیاسی یا حداقل شرایط حاکمان با معیارهای ملحوظ در نصوص دینی تعریف می‌شود (فیرحی-داود-نظام سیاسی در اسلام-نشر سمت-چ ۱۳).

• دولت غیردینی

دولتی است که انتخاب حاکمان، وظایف، نقش، جهت‌گیری و اهداف دولت مستند به اراده بشری تعریف می‌گردد و بر اساس آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. می‌توان گفت هرگونه دولتی که ناظر به دین و شریعت الهی نباشد، دولت غیردینی است. مقام معظم رهبری درباره‌ی ماهیت دولت‌هایی که تحت ولایت خدا نباشند می‌فرماید: «هر ولایت غیر خدایی، ولایت شیطانی و طاغوتی است. کسی که تحت فرمان ولی حقیقی زندگی نمی‌کند، باید بداند تحت فرمان طاغوت و شیطان زندگی می‌کند» (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان ۱۳۹۴/۲/۱۱).

۳. وظایف و کارکرد دولت اسلامی

در هر نظام سیاسی، دولت جهت پیشبرد اهداف مدنظر آن نظام شکل می‌گیرد، در نتیجه دولت کارکردهای خاصی را بر عهده می‌گیرد. دولت در هر جامعه‌ای مظهر مصلحت عمومی است و کارهای متفاوتی از جمله حفظ نظم و امنیت، حراست از حقوق طبیعی افراد جامعه، ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی، تأمین حداقل رفاه و آسایش دارد (بشریه-حسین-«آموزش دانش سیاسی»-نشر نگاه معاصر-چ ۹) و در تقسیم‌بندی دیگر از وظایف دولت در بیانات مقام معظم رهبری می‌توان دریافت که هر دولتی اساساً پنج وظیفه کلی دارد. این وظایف شامل: تربیتی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی می‌باشد که در این بخش می‌توان آن را بررسی کرد.

۱-۳. برقراری عدالت

ایجاد عدالت، نیازمند تربیت عمومی است و وضعیت خاص جامعه مسلمان در زمان امام علی (ع) موجب شد، آنان عدالت حضرت را تحمل نکنند. پس دولت باید ابتدا شکاف طبقاتی را برطرف کند. قرآن در این زمینه می‌فرماید: * مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ

السَّبِيلِ كَى ۱۱۱ يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا ءَاتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ * (حشر: ۷). ثانیاً به توزیع عادلانه ثروت و عوامل تولید توجه کند. حکومت اسلامی فقط یک ناظر بی طرف نظامات اقتصادی نیست، بلکه اهرم قدرتمندی در جهت کنترل دقیق توزیع عادلانه ثروت است. ثالثاً نفی هرگونه استثمار و بهره‌کشی و برقراری نظام عادلانه مالیاتی نیز باید در جامعه عدالت‌پذیر وجود داشته باشد (شوشتری- عباس علی- ۱۳۹۸ «مقاله اهداف و وظایف کلی دولت در اسلام»- معرفت سیاسی)

وظایف اقتصادی: یکی از مهم‌ترین وظایف کارگزاران دولت پرداختن به امور اقتصادی است و به دفاع از طبقات محروم تلاش کنند و عدالت اقتصادی را در جامعه پیاده کنند و با فرهنگ سرمایه داری مبارزه کنند.

در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای وظایف اقتصادی دولت و پرداختن به امورات اقتصادی مردم از اوجب واجبات حکومت‌ها است که باید مورد اهتمام قرار گیرد (بیانات رهبری در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۰/۲/۲۸)

۲-۳. وظایف فرهنگی

. یکی دیگر از وظایف کارگزاران دولت اسلامی مسئله فرهنگ است. مقام معظم رهبری هدایت جامعه را محدود به ریاست مادی محض نمی‌دانند و عقیده به هدایت فرهنگی مردم دارند و در این راستا صدا و سیما، وزارت ارشاد، وزارت علوم و وزارت آموزش و پرورش را دستگاه‌های خدماتی هدایتی حکومت می‌نامند که باید از ابزارهای هدایت بهره بگیرند تا مردم متدین بار بیایند، متدین عمل بکنند، به مبانی دینی معتقد بشوند و عملاً پایبند بشوند (بیانات رهبری در دیدار با اعضای دولت ۱۳۸۸/۶/۱۶)

۳-۳. وظایف امنیتی

امنیت در همه ی حکومت‌ها و نظام‌های سیاسی از نیازهای اساسی است زیرا وجود آن باعث استحکام و استمرار جامعه می‌شود. در دیدگاه مقام معظم رهبری برقراری امنیت در همه ی ابعاد آن بر عهده ی دولت اسلامی است. همان طور که می‌فرمایند: «امنیت اخلاقی، امنیت اجتماعی جزو وظایف ما است. جز وظایف جمهوری اسلامی است نمی‌توانیم اینها را رها کنیم» قرآن کریم می‌فرماید: *وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ ءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ * (انفال: ۶۰) آیه شریفه بر اصل بازدارندگی در مقابل دشمنان آشکار و پنهان تأکید دارد و در این رابطه هیچ مرز قائل نمی‌شود. ده‌ها آیه مربوط به جهاد در قرآن، به نوعی تأیید کننده لزوم ایجاد ارتش قوی هستند (شوشتری- عباس علی- ۱۳۹۸ «مقاله اهداف و وظایف کلی دولت در اسلام»- معرفت سیاسی).

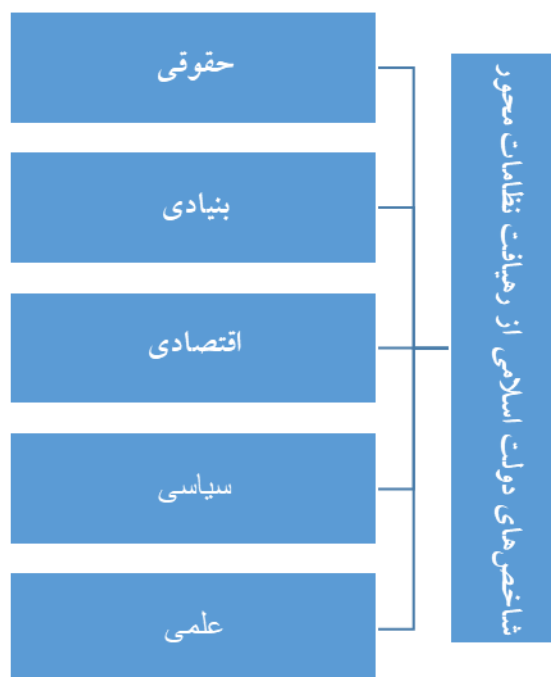
۴. شاخص‌های دولت اسلامی از رهیافت نظامات محور

مؤلفان بر این باور هستند که رهبر انقلاب از دو جهت دولت اسلامی را موردبررسی قرار داده‌اند. درآغازین سال‌های طرح مفهوم مراحل پنج گانه، معمولاً مفهوم دولت اسلامی از وجه منابع و نیروی انسانی آن مورد تأکید ایشان است و می‌فرمایند: «بعدازآن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان به گونه اسلامی، چون در وهله اول فراهم نیست، به تدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند یا چنان افرادی- اگر هستند- سرکار بیایند؛ یا اگر ناقض‌اند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه » (بیانات رهبری در دیدار با هیئت دولت ۱۳۷۹/۹/۱۲).

ایشان به کارگزاران نظام تأکید می‌کنند که به خودسازی و رفع عیوب پردازند و روز به روز خود را بهتر کنند. اما در تعاریف متأخر ایشان، وجه ساختاری و نظام گونه دولت اسلامی مورد تأکید بیشتری قرارگرفته است و می‌فرمایند: «دولت اسلامی یعنی سازو کارهای لازم برای ایجاد آن جامعه اسلامی » (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۹۰/۶/۶). این تلقی از تشکیل دولت ازآن‌جهت مهم است که ساختارها و روش‌ها در حقیقت روابطی هستند که کارگزاران درون آن روابط با یکدیگر در تعامل بوده و عمل می‌کنند. برای مثال اگر کارگزار دارای ویژگی اسلامی باشد اما نظامات از الگوی سکولار با یک تضاد روبه رو می‌شود. پس لازم است هم کارگزار و هم نظامات اسلامی بوده تا دولت اسلامی محقق شود. می‌توان نظامات محور را ایجاد و وضع قوانین و مقرراتی که روند محقق شدن دولت اسلامی را تسهیل می‌کند و منظور مؤلفان از کارگزارمحور یعنی ویژگی‌هایی که باید دولت مردان کشور داشته باشند، تعریف کرد.

عمدتاً این شاخص‌ها از دو جهت نظامات محور و کارگزار محور قابل بررسی است. اما اگر این شاخص‌ها به‌صورت یک قانون وضع شود و بر اجرای آن نظارت شود جنبه نظامات محور آن بیشتر خواهد بود و باید مطابق این قوانین کارگزاران ملزم به انجام آن‌ها می‌شوند و اینگونه روند محقق شدن دولت اسلامی رو به افزایش خواهد رفت. مطابق بیانات رهبری شاخص‌های دولت اسلامی از رهیافت نظامات محور در سه بخش کلی نظام سیاسی (یعنی وضع قوانین و مقرراتی که امنیت سیاسی در آن وضع و نظارت شود و بر دشمنی نظام سلطه تأکید کند)، نظام اجتماعی-فرهنگی (یعنی قوانین و مقرراتی وضع و نظارت شود که در آن حوزه‌های اجتماعی اسلام پیاده شود)، نظام اقتصادی (یعنی وضع قوانین و مقررات و نظارت بر حسن اجرای آنها که در

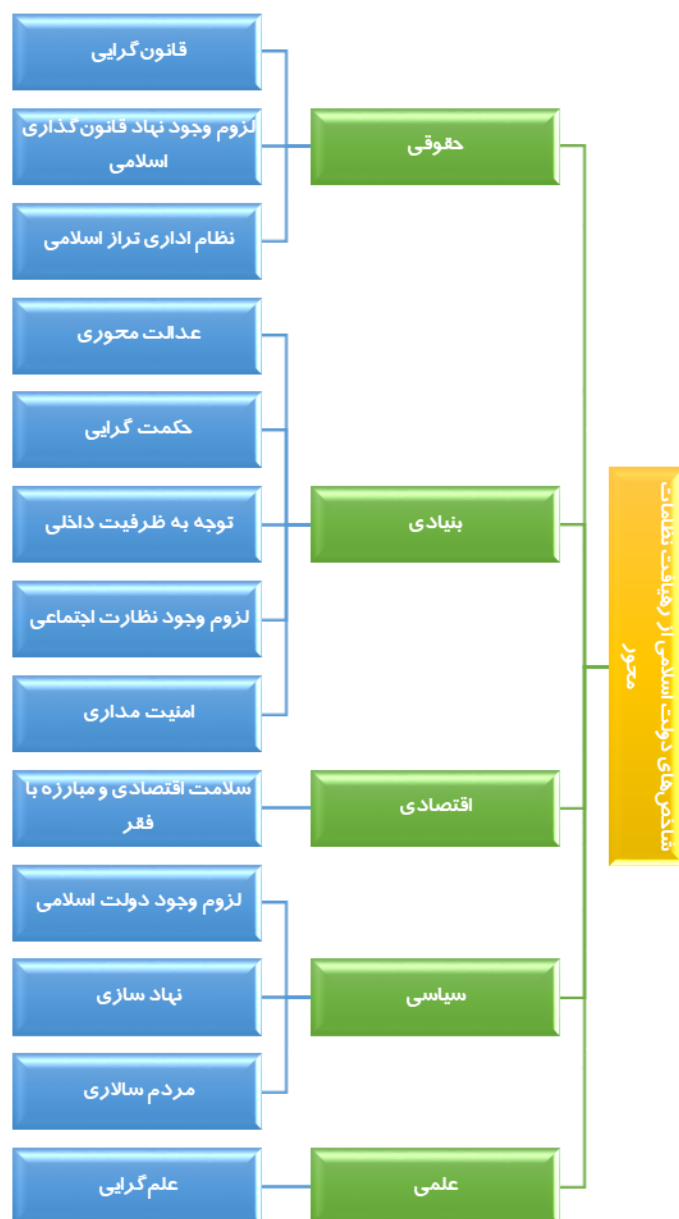
آن عدالت اقتصادی و توجه به طبقات محروم و دوری از فساد و تجمل گرایی لحاظ شود) می توان تقسیم بندی کرد.



مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «در جاهایی ممکن است اشتباه‌هایی صورت گرفته باشد، اما مهم این است که ما بر اساس این اشتباه، خودمان را تصحیح کنیم و به سمت اصلاح پیش برویم و این جزو متمم نظام سازی است. البته نه اینکه گذشته را خراب کنیم و هرچه را ساختیم و بنا کردیم، خراب کنیم؛ به‌عنوان نمونه قانون اساسی‌مان را خراب کنیم و نظام حکومتی خود را ضایع کنیم بلکه باید آنچه را که ساختیم، حفظ کنیم و نواقصش را برطرف کنیم که در این‌صورت تکمیل نظام‌های گذشته شکل می‌گیرد. به‌عنوان نمونه نظام آموزش و پرورش غیر از وزارت آموزش و پرورش یکی از نظام‌های مهم در دولت آموزش و پرورش آن قاعده‌ی اساسی، به قول معمارها و بناها آن اسلامی است و در واقع فونداسیون اساسی برای بنای رفیعی است که ما می‌خواهیم برای آینده‌ی کشورمان داشته باشیم» (بیانات رهبری در دیدار با مجلس خبرگان ۱۳۹۰/۶/۱۷) آیت الله خامنه‌ای بارها به کارگزاران نظام اسلامی تذکر می‌دهند که کارآمدی خود و نظام را افزایش دهند و این کارآمدی باید در جهت تحقق خواسته‌ها و اهداف اسلامی باشد و همچنین ارزش‌ها در جامعه پیاده و عینی شوند. ایشان در این زمینه، بخش‌های فرهنگی، اقتصادی سیاسی و امنیتی را مسئول دانسته و از آن‌ها می‌خواهد که متوجه این مسئولیت

باشند. از طرفی پاسخگویی در مقابل این مسئولیت را وظیفه ی همه ی مسئولان دولت اسلامی می‌دانند(بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام - ۰۶ / ۰۸ / ۱۳۸۳). در جای دیگری بیانی دارند که نشان می‌دهد برای آن که ایران اسلامی بتواند در دنیا پیش برود باید در برابر دشمنان پیروز شد و جهت این امر باید به تشکیل نظام و دولت پرداخت. ایشان می‌فرمایند: جبهه ی مقابل را شکست بدهد؛ اما کدام اسلام قادر به این کار است؟ آن اسلامی می‌تواند کفر را و استکبار را و ظلم را قلع و قمع کند یا او را محدود کند یا از تجاوز و تعدی او جلوگیری کند که دارای نظام باشد، دارای دولت باشد، دارای نیروی نظامی باشد، دارای رسانه باشد، دارای سیاست باشد، دارای اقتصاد باشد، ابزارهای فراوان در اختیار او باشد؛ اسلامی که توانسته نظام سازی کند و حکومتسازی کند، این اسلام می‌تواند مقاومت کند، و آلا یک شخص ولو مسلمان برجسته ای باشد، یا جریان اسلامی مثل جریان‌هایی که در دنیا هستند، اگر به سمت هدف حکومت پیش نروند، هیچ خطری برای استکبار ندارند؛ چون هیچ کاری از دست آن‌ها به این صورت بر نمی‌آید؛ نمی‌توانند قلع و قمع کنند کفر و ظلم و استکبار را(بیانات رهبری در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری - ۰۶ / ۰۳ / ۱۳۹۶)

مضامین پایه و سازمان‌دهنده در خصوص شاخص‌های دولت اسلامی از رهیافت نظامات محورد در این بخش ۱۳ مضمون پایه در خصوص شاخص‌های دولت اسلامی از رهیافت نظامات محور استخراج گردید.



۱. قانون‌گرایی

یکی از مسائل در شاخص‌های دولت اسلامی قانون‌گرایی است. قانون و مقررات تصویب شده، اسلامی باشد و افرادی که روی کار می‌آیند باید نسبت به این قوانین مقید باشند. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «قانون ریل است و خارج شدن از آن جامعه را آسیب خواهد زد. در دیدگاه ایشان قانون-گرایی را باید در جامعه نهادینه کرد و این امر به قدری اهمیت دارد که حتی اگر قانونی معیوب باشد نیز تا زمان اصلاح باید اجرا شود زیرا ضرر عدم رعایت آن بیشتر خواهد بود. همچنین ایشان رعایت اسناد بالادستی را از جمله موارد رعایت قانون

می‌دانند مثل سیاست‌های کلی، سند چشم‌انداز، مصوبات شوراهای عالی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، از قبیل شورای عالی مجازی» (بیانات رهبری در دیدار با اعضای دولت ۱۳۹۲/۶/۶)

اهمیت قانون تا آنجا است که قانون بد، بر بی قانونی ترجیح دارد. ایشان می‌فرمایند: «اگر قانون نقص و ضعف دارد و غلط است، عوض بشود؛ اما تا مادامی که قانون، قانون است، حتماً بایستی به آن عمل بشود و به آن اهمیت داده بشود» (بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی‌الرضا - ۱۳۸۸ / ۰۱ / ۰۱)

۲. نظام اداری تراز اهداف اسلامی

از جمله زمینه‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب تا امروز با همه تلاشی که شده است، نتوانسته‌ایم در آن پیشرفت شایسته‌ای را به دست آوریم، زمینه نظام اداری متناسب با هدف‌های جمهوری اسلامی است.... این از نقایص ما است. مسئولان ذی ربط باید در این زمینه کار کنند (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۸۷/۱۰/۴).

سیاست‌های کلی نظام اداری که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است از سوی مقام معظم رهبری به روسای قوای سه گانه و ستاد کل نیروهای مسلح ابلاغ گردیده است و به منظور نهادینه سازی فرهنگ سازمانی؛ رعایت ارزش‌های اسلامی، کرامت انسانی و ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی و سرمایه‌های اجتماعی به عنوان مبانی در نظر گرفته شده است (ابلاغیه سیاست‌های کلی نظام اداری ۱۳۸۹/۱/۳۱)

۳. عدالت محوری

در بیانات رهبری آمده است: "اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، درحالی که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است. استفاده از همه ی شیوه‌های عالمانه و با تدبیر می‌توان عدالت را در جامعه مستقر کرد (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران نظام ۱۳۹۰/۸/۸)

بدون شک لازمه استقرار عدالت و نظام سیاسی عادلانه، از ضروریات عقلی شمرده می‌شود و ضرورت آن آن را هر انسانی که صاحب خرد است درک می‌کند؛ زیرا با تفکر پیرامون قوانین حاکم بر جهان، معلوم می‌شود که هر چیزی در جایگاه خودش قرار گرفته است. و این باعث نظم در جهان می‌شود. چنان که در حدیث منسوب به پیامبر نیز آمده است: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْاَرْضُ» آسمان و زمین به سبب عدالت استوار شده‌اند (قمی)

مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸ «تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب»، ۱۴ جلد، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ج ۱۲، ص ۵۶۱) قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾ (نساء: ۵۸) این آیه اشاره به عدالت سیاسی دارد. ﴿وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾ (الرحمن: ۹) این آیه هم به عدالت اقتصادی اشاره می‌کند.

۴. حکمت و خردگرایی

مسئله ی حکمت و خردگرایی در کارها شاخص بعدی است که از منظر ایشان اینطور معنا می‌شود: کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام و حتی گاهی ملاحظه ی تبعات یک اظهارنظر. گاهی یک اظهارنظر از سوی یک مسئول دارای جایگاه و به اصطلاح دارای تریبون، دارای منبر، یک تأثیرات سوئی می‌گذارد که این تأثیرات را اگر انسان بخواهد برطرف کند، مبالغی بایستی کار کند؛ همان قضیه‌ی سنگ درون چاه است؛ واقعاً مشکلات ایجاد می‌کند. بایستی سنجیده اظهار نظر کرد. همچنین یکی از مصادیق این حکمت را استفاده از ظرفیت بالای کارشناسان در بخش های مختلف و مسائل کشور می‌دانند (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۶ / ۰۶ / ۱۳۹۲)

۵. تکیه بر ظرفیت درون زای کشور

شاخص بعدی مدنظر مقام معظم رهبری تکیه به ظرفیت درون زای کشور است. البته توجه به این درون زایی به معنای آن نیست که مطلقاً از امکانات بیرون از کشور و محصولات خارجی استفاده نشود، بلکه منظور این است که مسئولان امیدشان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزند (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۶ / ۰۶ / ۱۳۹۲)

۶. لزوم وجود نظارت اجتماعی

بر اساس نگرش قرآنی «اصل هدایت و نظارت اجتماعی» یکی از شاخصه‌های برجسته امت اسلامی محسوب می‌شود؛ و این شاخصه در مورد حاکمیت دینی و دولت اسلامی نیز قابل سرایت است؛ زیرا اولاً: در واقع دولت اسلامی همان برآیند اقتدار و حاکمیت سیاسی امت اسلامی است که در قالب نظام سیاسی تجلی یافته است. ثانیاً: آیه دیگری رابطه با نیرومندی و قدرت یابی مؤمنان وجود دارد که در حقیقت تعبیر دیگری از قبضه قدرت و حاکمیت سیاسی توسط گروه مؤمنان است و نشان می‌دهد که از اوصاف اقتدار سیاسی دولت اسلامی برپایی نماز، و اقامه امر به معروف و نهی از منکر است: ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ يَعْبَهُ الْأُمُورُ﴾ (حج: ۴۱) «این اصل یکی از ارکان تعلیمات اسلامی است که به نص صریح متون اسلامی و گفته پیامبر اکرم (ص) اگر از بین برود، تمام تعلیمات اسلامی از

بین رفته است. اگر این اصل منسوخ شود، جامعه اسلامی به صورتی که باید وجود داشته باشد، هرگز وجود نخواهد داشت» (مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳ «حماسه حسینی»، ۳ جلد، چاپ ۱۸، تهران: انتشارات صدرا، ص ۱۵۴)

۷. امنیت مداری

وضع قوانین و مقرراتی که در آن حفظ امنیت به عنوان اساسی ترین هدف دولت اسلامی باشد. رهبری می فرماید: "بزرگ ترین خصوصیت اجتماعی و نیاز یک جامعه، چند خصوصیت است؛ یکی از این چند خصوصیت، «امنیت» است. اگر امنیت نباشد، بسیاری از خیرات جامعه، از آن جامعه رخت خواهد بست. امنیت را در بخش عظیمی از زندگی و حیات اجتماعی و فردی مردم، نیروی انتظامی تأمین می کند؛ این را باید نعمت خدا متوجه به خود بدانید (خامنه ای-سیدعلی-۱۳۸۰) «اخلاق کارگزاران در بیانات رهبری» تهران- سازمان مدیریت و برنامه ریزی)

۸. مبارزه با فقر و فساد

با توجه به آنکه منصب های حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است؛ وسوسه ها نیز انسان را راحت نمی گذارند. در نتیجه باید مراقبت کرد و حتی در دیدگاه ایشان قبل از آنکه دستگاه های نظارتی وارد بشوند باید مسئولین رده های بالا چشم بصیر بینای خود را بر سرتاسر دستگاهی که تحت اشراف و مدیریت آنها است، بگسترانند و نگذارند در یک گوشه ای ناسلامتی اقتصادی به وجود بیاید و این وسوسه ها کارگر بشود (بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت - ۰۶ / ۰۶ / ۱۳۹۲)

قرآن در این باره می فرماید: *فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ* (هود: ۱۱۶)

در تفسیر المیزان پیرامون این آیه این چنین آمده است که «کلمه "لو لا" به معنای "هلا" و "الا" است که تعجب آمیخته با توبیخ را می رساند، و معنای آن اینست که: ملل و اقوامی که قبل از شما می زیستند چرا باقی نماندند و چرا از فساد در زمین نهی نکردند؟ تا امت خود را از انقراض و استیصال حفظ کنند؟ "إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ" - این استثناء استثناء از معنای نفی جمله سابق است چون معنا این است: عجب است از امت های گذشته که با آن آیات که از خدا دیدند و آن عذابها که مشاهده کردند، چرا جز عده کمی که ما برای اینکه از فساد نهی می کردند از عذاب و هلاک نجاتشان دادیم، بقایای بیشتری نماندند تا از فساد در زمین نهی کنند؟

"وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَ كَانُوا مُجْرِمِينَ" - این جمله بیان حال کسانی است که پس از استثناء باقیمانده اند که اکثریت ایشان را تشکیل می دهند، و چنین معرفیشان کرده که مردمی ستمکار و همه پیرو لذاذ

مادی بوده و در این وادی غوطه‌ور و در نتیجه به جرم و گناه آلوده شده بودند (طباطبایی، محمدحسین، «المیزان فی تفسیر القرآن» ج ۱۴، ص ۸۰)

۹. مردم سالاری

هویت جمهوری اسلامی که مقدمه‌ای برای تشکیل دولت اسلامی محسوب می‌شود در منظومه ی فکری آیت الله خامنه‌ای مبتنی بر مردم سالاری یعنی برانگیخته بودن از سوی مردم و ملت خود است. ایشان اساس این مفاهیم را مبانی دینی و اعتقادی و ایمانی می‌دانند نه قراردادهای اجتماعی که فرق بین دموکراسی غربی و مردم سالاری دینی را در همین تمایز مبنایی مطرح می‌کنند. همچنین مردم سالاری دینی را به دلیل مبتنی بودن بر یک اعتقاد دینی غیرقابل نقض می‌دانند (بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی - ۲۲ / ۰۲ / ۱۳۸۲)

قرآن در سوره شوری آیه ۳۸ می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ علامه جوادی آملی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مردان الهی و جامعه ایمانی دستور الهی را لَبَّیک می‌گویند. ﴿وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾ این ذکر اعمال مهم است بعد از ذکر اصل اعتقاد، ﴿وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾ امر جامعه اسلامی و متمدن با مشورت پیش می‌رود، مستحضرید که نفرمود «أَمْرُ اللَّهِ شُورَى بَيْنَهُمْ»، ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ باید از طرف خدا بیاید، احکام شرعی، مسائل اعتقادی و مانند اینها «أَمْرُ اللَّهِ است که ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾، اما امر مردم که چگونه شهرشان را بسازند، کجا خیابانکشی کنند، کجا یکطرفه شود، کجا دوطرفه شود، کجا بلوار شود و کجا فلان بیمارستان قرار بگیرد، اینها «أمر الناس» است و «أمر الناس» با مشورت باید انجام شود؛ اما «أمر الله» با مشورت و استخاره و مانند اینها نیست، «أمر الله» یعنی احکام شرعی و احکام شرعی هم منحصر از ذات اقدس الهی است (عبدالله - جوادی آملی - «تفسیر تسنیم» - تفسیر جلسه ۳۳ شوری).

علم گرایی: در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای علم مایهی اقتدار است و این منحصر به عصر خاصی نیست بلکه همیشگی است. درواقع علم ثروت آفرین است و قدرت نظامی و سیاسی را به دنبال خود می‌آورد. ایشان تأکید خود به علم را بر پایه‌ی گنجینه‌ی معارف اسلامی بیان می‌کنند (بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران - ۱۳ / ۱۱ / ۱۳۸۸)

۱۰. پابندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب

یکی از مبانی اساسی انقلاب اسلامی است که دولت مردان دولت اسلامی بایستی به آن پایبند باشند. این پابندی به ارزش‌ها در فرهنگ قرآنی استقامت نام دارد. إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت: ۳۰)

کارگزاران نظام باید به امامت و جایگاه رهبری اعتقاد داشته باشد و طبق ولایت پیش برود یکی از پیامدهای مهم سیاسی و اجتماعی اصل توحید اعتقاد به مشروعیت الهی و اصل امامت در باور جامعه و دولت اسلامی است. حاکمیت و حکومت را، منحصر در ذات یگانه الهی است، اما از آنجا که هم نمود حاکمیت الهی در زمین توسط انسان‌ها صورت می‌گیرد و هم اداره و مدیریت زندگی مدنی و اجتماعی نیاز به حاکمیت و حکومت دارد؛ که مسئله خلافت و جانشینی مطرح می‌شود. که به طور نمونه به آیه ۵۹ سوره نساء اشاره می‌شود: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ*

۱۱. خدمت به خلق

هدف اصلی دولت اسلامی خدمت به مردم است و کارگزاران باید از جدایی خود و مردم جلوگیری کنند. رهبری در این باره می‌فرمایند: "اصلاً فلسفه ی وجود ما جز این نیست؛ ما آمده ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند(بیانات رهبری در دیدار با اعضای دولت ۱۳۹۰/۶/۶) قرآن در سوره یوسف می‌فرماید: *وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ*(یوسف: ۲۲)

۱۲. اخلاص

یکی از ویژگی‌های دولت مردان داشتن اخلاص در کارها است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «اگر کاری که انجام می‌دهید خالصانه و برای خدا باشد، پیشرفت را هم به دنبال خواهد داشت. کار خالصانه، فرصت بزرگی برای شما است و از همهی کارهای فردی و عبادات فردی بالاتر است. این خدماتی که برای مردم انجام می‌دهید، آن وقتی خدمت خواهد شد و آن وقتی با خلوص و درخشش و شفافیت خود باقی خواهد ماند که شما دلتان با خدا مانوس باشد(آیت الله خامنه ای-سیدعلی-۱۳۹۰)» پیام امام خمینی و مقام معظم رهبری برای مدیران کشور-نشرتهران-مرکز آموزش مدیریت دولتی ریاست جمهوری). قرآن در این باره می‌فرماید: *إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ*(ص: ۴۶)

۱۳. دشمن شناسی

رهبری می‌فرمایند: «دشمن سه هدف مرحله ای و مقطعی را تعقیب می‌کند؛ اول عبارت است از تخریب وحدت ملی؛ یکبارچگی ملت ایران را بشکنند و تخریب کنند. دوم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی ایمان‌ها و باورها و اعتقاداتی که این ملت را از یک ملت عقب افتاده‌ی تو سری خور، به یک ملت پیشرو و شجاع و میدان‌دار در دنیا تبدیل کرد، این‌ها را تخریب کند. این حرکت، با یک اعتقادات و باورهای انجام گرفت؛ بدون این باورها که انسان حرکت نمی‌کرد و این ملت پیش نمی‌رفت؛ دشمن می‌خواهد این باورها را

در ذهن ملت ما تخریب کند. سوم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم» (بیانات رهبری در دیدار با خبرگان ۱۳۷۸/۹/۲۹)

موانع عدم تحقق دولت اسلامی

موانع شکل گیری دولت اسلامی در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای فاصله داشتن وضع موجود دولت در جمهوری اسلامی با وضع مطلوب دولت اسلامی دولت علوی است. الگوی شکل گیری دولت اسلامی در اندیشه ی آیت الله خامنه ای دولت نبوی (ص) و علوی (ع) است. یعنی باید دولت اسلامی مدنظر به این دولت ها نزدیک بوده و هرچه این نزدیکی و هم سنخی بیشتر باشد مسلماً موفق تر بوده ایم. اما با بررسی دوران نزدیک به چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد آن هستیم که رهبر معظم انقلاب به عنوان سکandar انقلاب اسلامی بارها این الگوگیری را به مسئولان نظام تذکر داده اند و آنها را رهنمود کرده اند که شکاف های موجود میان دولت را با نمونه ی متعالی آن برطرف نمایند. به عنوان نمونه حیات طیبه یعنی زندگی ای که در آن، هم روح و هم جسم انسان، هم دنیا و هم آخرت او تأمین است و از اهداف تحقق دولت اسلامی به شمار می آید که باید به این آرمان رسید، اما در حال حاضر با آن فاصله ی بسیاری وجود دارد. اگر چه ایشان تدریج و مرور زمان را در استحکام پایه های نظام انقلابی و تحقق اهداف آن را لازم می شمردند اما بر مراقبت از عدم انحراف از هدف های اعلام شده را نیز یادآوری میکنند. همچنین تأکید میکنند که باید در رسیدن به این هدفها ایستادگی کرد. ایشان اذعان میکنند هدف عدالت اجتماعی، هدف تحقق زندگی اسلامی، هدف تشکیل یک جامعه ی اسلامی، اهدافی هستند که ما هنوز به آنها نرسیده ایم و در نیمه راه این هدف ها هستیم. ایشان نرسیدن به این اهداف از جمله عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام را از نقطه ضعف هایی میخوانند که بایستی جبران شود. معظم له این ضعف ها را غیرقابل گذشت بیان میکنند و همه ی مسئولین و آحاد مردم را موظف به برطرف کردن این ضعف ها میدانند و بدون تردید آنها را نیز برطرف کردنی ذکر میکنند.

این موانع شامل هم شامل دولتمردان می شود و هم نظامات: فساد اداری، انحراف از دین، اعتماد به نظام سلطه، بی عدالتی، بی تقوایی، تفرقه افکنی و... میشود. قرآن موانعی را چون حرص گرایی، نفس تمکین، قدرت طلبی و شتابگری در انسان را بیان می کند. که باعث می شود روند محقق شدن دولت اسلامی به کندی پیش برود..

۱. فساد اداری

یکی از موانع برجسته ی تحقق دولت اسلامی روابط ناسالم مالی-پولی و در رأس همه فسادها اداری و فرهنگی رشوه خواری در نهادهای حکومتی است. قرآن در این باره می فرماید: *وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ* (بقره: ۱۸۸)

رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید: «اسلام برای برپایی حکومت عادلانه می‌باشد که در آن قوانین مربوط به بیت المال و گرفتن مالیات از همه طبقات بر اساس روشی عادلانه است... حکومت اسلامی بر اساس استبداد و تمایلات نفسانی نیست. بلکه حکومتی است که در جمیع ساحت‌ها از قانون الهی الهام می‌گیرد (بیانات رهبری در دیدار با کارگزاران و قشرهای مختلف مردم - ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۷۱)

۲. حب دنیا

دلبستگی برخی از کارگزاران نظام به امور دنیوی باعث می‌شود روند محقق شدن دولت اسلامی به تعویق بیفتد. رهبری می‌فرمایند: «دل بستن به امور دنیوی «حد یقف ندارد» زیرا قلب و روح انسان جای خداست و گنجایش نامحدود دارد، به همین علت هرچه از دنیای محدود به دست آورد احساس سیری و رضایت نخواهد کرد، از این رو دامنه سلطه و تجاوز و ستم به طور نامحدودی گسترده می‌شود و انسان هاسی متکبر و سلطه گر پس از محرومیت خودشان از دست یابی به کمالات معنوی و قرار گرفتن در جاذبه ی لطف الهی، سایر مردم مستضعف و تحت سلطه ی خودشان را هم از کمالات معنوی محروم می‌کنند (بیانات رهبری ۱۳۶۸/۳/۲۱).

در قرآن چنین آمده است: ﴿الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ (ابراهیم: ۳)

۳. تفرقه افکنی

اختلاف ریشه دار در میان دولتمردان مانع می‌شود تا به اهدافی که داشتند برسند. در بیانات رهبری آمده است «اختلاف نظر در سطوح مختلف میان بزرگان هر جامعه امری عادی و غیر قابل اجتناب است. اگر این اختلاف به درستی مدیریت و هدایت شود، از قبل آن منافع فراوانی نصیب جامعه می‌شود اما اگر این اختلافات هدایت و مهار نشود، در برابر چشم دشمن به نمایش در می‌آید و می‌تواند به تفرقه و جدایی گروه‌های جامعه متحد منجر شود. از اولین آثار تفرقه، بدبینی گروه‌ها به یکدیگر و پیدایش زمینه اتحاد برخی گروه‌ها با دشمن است. چنین اتحادی آغاز شکست در برابر دشمن است. اثر خطرناک دیگر تفرقه، تقسیم نیروهای داخلی و در نتیجه تضعیف آن‌ها و بلکه جهت گرفتن همین نیروها برای نابودی ملت است (بیانات در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم آذربایجان ۱۳۶۸/۳/۳۰). قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفوا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (آل عمران: ۱۰۵)

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه دشتی
- ۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، العبر، تصحيح خليل شحاده، چاپ دوم، بيروت، دارالفكر ۱۴۱۷ق
- ۲. ابن هشام، عبدالملك، السيره النبويه، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۳۵۵ق
- ۳. الحر العاملى، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت، لاحياء التراث ۱۴۱۱
- ۴. دادستان بيركى، على، سياست خارجى وروابط بين الملل ازديدگاه امام خمينى ، تهران، مؤسسه الامام صادق ۱۴۱۷
- ۵. راغب اصفهاني، ابوالقاسم حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، تهران، مرتضوى، ۱۳۶۲
- ۶. شكورى، ابوالفضل، فقه سياسى اسلام، ج ۲، قم، ستادبزرگداشت پنجاهمين سالگرد شهادت مدرس، ۱۳۶۷
- ۷. شرف الدين، عبدالحسين، المراجعات، قم، انصاريان، ۱۳۸۲
- ۸. مطهرى ، مرتضى، پيرامون انقلاب اسلامى، تهران، صدرا، ۱۳۶۸
- ۹. مطهرى، مرتضى، بررسى اجمالى مبانى اقتصاداسلامى، تهران، حكمت، ۱۴۰۳ق
- ۱۰. مطهرى، مرتضى، گفتار معنوى، تهران، صدرا، چ دوم، ۱۳۷۴
- ۱۱. موسوى خمينى، سيدروح الله، ولايت فقيه، تهران، اميركبير، ۱۳۶۰